فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱ ، پاییز ۱۳۹۱ ، پیاپی ۱
صفحات ۸۲-۶۹

بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس

دکتر فرامرز بریمانی*، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران
دکتر زهرا نیک‌منش، استادیار گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سهیلا خداوردی‌لو، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۴/۸

چکیده
توانمندسازی زنان روستایی به معنی قدرت بخشیدن به این قشر از جامعه برای ایفای نقش برجسته در توسعه و مشارکت فعال آنها در تصمیم‌گیری است که یکی از ضرورت‌های دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. در این میان اعتبارات خرد می‌تواند دسترسی به اهداف توانمندسازی را تسهیل نماید. این پژوهش در پاسخ به این سوال اصلی است: آیا اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی و روانی (اعتماد به نفس) زنان دهستان لکستان شهرستان سلماس موثر واقع بوده است؟ داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای، میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری گردید. جامعه آماری این پژوهش کل زنان دهستان لکستان بود که از آنها نمونه‌ای ۲۲۵ نفری به روش نمونه‌گیری سهمی انتخاب شد. نتایج با استفاده از آزمون T مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت. نتایج نشان داد اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. گروهی از زنانی که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند.
کلمات کلیدی: توانمندسازی، زنان روستایی، اعتبارات خرد، اعتماد به نفس، دهستان لکستان.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۴۳۳۶۷۵ E-mail:f.barimani@umz.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

واژه توانمندسازی در متون متعدد و مختلف به وسیله سازمان‌ها و اشخاص مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، و از دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط فعالیت‌های سیاسی رادیکالیست، گروه‌های توسعه اجتماعی شمال و جنوب، و همچنین فعالیت‌های فمینیستی در زمینه‌های آموزش، روانشناسی گسترش یافته است (Oxaal and Baden,1997: 2).

بررسی‌های انجام شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسأله به این دلیل است که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند، زیرا وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (خداوردی‌لو و بریمانی، ۱۳۸۸: ۲). لذا نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴: ۱). در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نهادهای اعتباری خرد در تمام کشورهای رو به توسعه، اساساً از طریق تعدادی از برنامه‌های اعتباری مالی خیریه و دولتی که در تلاش برای شناسایی هر دو نیاز مالی و عمرانی مشتریان‌شان بوده‌اند ایجاد و توسعه یافت (ریکا، ۱۳۸۲: ۳۴). در این راستا سازمان ملل «ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم» اعلام کرده است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳-۲) و بانک جهانی نیز سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نامگذاری و کشورهای در حال توسعه را در بکارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (نگین، ۱۳۸۴: ۷۶۳)، لیکن لاویر[۱](2002) معتقد است برنامه‌های اعتبارات خرد باید با هدف‌گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام گیرندگان فقیر همراه باشد (Lavoier, 2002: 100)، و آلین و جیانگ[۲] (2008) متذکر شده‌اند، اگر میزان سرمایه‌گذاری و خوداشتغالی وام گیرندگان به اندازه کافی زیاد باشد آنگاه اعتبار کم می‌تواند اقتصاد را از طریق صرفه‌جویی، از رکود به سوی توسعه کامل سوق دهد (Ahlin and Jiang, 2008: 124-123).

از میان کشورهای جهان سوم در زمینه اعتبارات خرد و توانمندسازی زنان، بنگلادش به عنوان کشور پیشرو در قالب گرامین بانک[۳] با اعطای اعتبارات خرد به فقرا و به ویژه زنان، توانسته سطح درآمد آنها را افزایش دهد (رسول‌اف، ۱۳۸۱:۳۷۰). یا «بانک آمنا اختیار مالزی[۴]» با هدف ارائه تسهیلات اعتباری به توده-های فقیر و ایجاد روحیه خوداتکایی در روستاییان به ویژه زنان سرپرست خانوار تأسیس شده است (همان،

---

۱. Lavoier,M

۲. Ahlin, Ch. and Jiang, N.

۳. Grameen bank

۴ . Amanah Iktiar Malaysia

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱۳۸۱:۳۷۰). مالزی یکی از کشورهای جنوب شرق آسیاست که به آن معجزه آسیایی[۱] نیز می‌گویند. در این کشور تا پیش از اجرای برنامه‌های فقرزدایی، فقر در مناطق روستایی گسترده‌تر از مناطق شهری بوده اما در نتیجه اجرای برنامه‌های جدید اقتصادی در این کشورها طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۵، میزان جمعیت فقیر از ۴۵ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت، این مهم تا حدی به عملکرد سازمان‌های تأمین مالی خرد مربوط بوده است (حسن زاده و قویدل، ۱۳۸۴: ۱۵۰). از دیگر انواع بانک‌ها، بانک راکیان اندونزی است. این بانک در سال ۱۹۸۰ به منظور اعطای اعتبارات روستایی تأسیس شد و به افراد وام پرداخت می‌کند. این وام‌ها عمدتاً به سرمایه‌گذاری تولیدی اختصاص دارد. در سال ۱۹۹۳، ۲۴ درصد از ۱/۸ میلیون قرض‌گیرنده را زنان تشکیل می‌دادند، علاوه بر این، بانک برنامه تجهیز پس‌انداز را نیز تدوین می‌کرد، لذا این بانک در ایفای نقش بانک-های تجاری با اهداف اجتماعی و اهدای وام به فقرا بی‌نظیر است (خانی، ۱۳۸۱: ۲۶۷-۲۶۳).

در راستای توانمندسازی زنان در ایران از طریق اعتبارات خرد سه دوره قابل تفکیک است: دوره اول، اولین صندوق قرض‌الحسنه در سال ۱۳۴۸ در مسجد قدیمی لرزاده تهران به نام صندوق قرض‌الحسنه ذخیره جاوید تأسیس شد، اگر چه این صندوق با جمع‌آوری کمک‌های افراد خیّر، به نیازمندان کمک بلاعوض می-کرد، اما به مرور کمک‌ها را به عنوان سرمایه‌ای جهت پرداخت وام بدون بهره به کار گرفت. دوره دوم بعد از انقلاب آغاز شد و تا سال‌های اخیر ادامه یافت، در این دوره انگیزه‌های سیاسی در گسترش اعتبارات خرد جای خود را به انگیزه‌های اقتصادی کمک به محرومین داد و به سرعت به حجم آن افزوده شد. از سال ۱۳۶۴ کمیته امداد نیز با توزیع وام‌های خوداتکایی و به منظور ایجاد اشتغال در بین خانوارهای فقیر به عنوان یک نهاد جدید توزیع‌کننده اعتبارات خرد، اضافه شد.

در سال ۱۳۷۳ نیز بانک کشاورزی، طرح حضرت زینب (س) را به منظور ایجاد اشتغال در بین زنان بی-سرپرست و با کمک کمیته امداد آغاز کرد. اگرچه با گذشت زمان اعتبارات خرد هدفمند شد و زنان سهم بیشتری نسبت به دوره قبل می‌بردند، اما در نیمه دوم این دوره تورم اثرات منفی خود را بر جای گذاشت. بنابراین در این میان مهم‌ترین وام‌های خرد شامل:

الف) وام‌های قرض‌الحسنه (توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه پرداخت می‌شود)

ب) وام‌های خودکفایی (توسط کمیته امداد و بین خانوارهای فقیر توزیع می‌گردد)

ج) وام‌های طرح حضرت زینب (س) (توسط بانک کشاورزی تأمین و به وسیله کمیته امداد بین زنان بی-سرپرست توزیع می‌گردد (خزاعی، ۱۳۸۱: ۲۷۶-۲۷۴).

---

[۱]. Asian miracle

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

علیرغم تلاش‌های انجام شده، بر اساس آمار سازمان ملل رتبه ایران در میان کشورهای منتخب، در دو شاخص توسعه انسانی (HDI)، توسعه جنسیتی (GDI) به ترتیب ۱۰۶، ۸۶ اعلام گردید لیکن شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM) محاسبه نشده است (باستانی، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

با توجه به شکل‌گیری نه صندوق اعتباری خرد در شش روستای دهستان لکستان از شهرستان سلماس، استان آذربایجان غربی، این پژوهش در پاسخ به سوالات زیر انجام شده است: اول) آیا اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی مؤثر است؟ دوم) آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد باعث بالا رفتن اعتماد به نفس زنان روستایی شده است؟

۲) مبانی نظری پژوهش

اعتبارات خرد از مباحث عمده در اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به مثابه محرک‌های اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، کلید حل معما به شمار می‌رود و به دنبال شکست‌های اقتصادی و ناکامی در کاهش فقر بویژه در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، کارگزاری-ها و سازمان‌های بزرگ اعطاءکننده وام مانند USA ID, ODA-UK و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بیش از پیش بنگاه‌های خرد در توسعه را در قالب برنامه محوری سیاست نئولیبرال جهت کاهش فقر اتخاذ نمودند (ازکیا و ایمانی،۱۳۸۴: ۲).

از زمان گسترش عرضه اعتبارات به مناطق روستایی تاکنون، دیدگاه‌های بازارگرا، دولت‌گرا و جامعه‌گرا مطرح شده است. وجه اشتراک تمامی آنها این است که عرضه اعتبارات در کاهش فقر خانوارهای روستایی نقش مهمی دارد (معظمی، ۱۳۷۷: ۵۳۹). لیکن در روش جامعه‌گرا تشویق مشارکت مردمی و ساختار تصمیم-گیری غیرمتمرکز از مهمترین ویژگی‌ها به شمار می‌آید. جذب پس‌انداز روستاییان یکی از مهمترین پایه‌های این روش، فرضیه‌ای است مبنی بر آن که افراد کم‌درآمد پس‌انداز دارند اما بیشتر ترجیح می‌دهند، که پس-اندازهای خود را به صورت غیرنقدی نگهداری کنند. در روش جامعه‌گرا سعی می‌شود که از شیوه‌های جدید و ابتکاری برای توزیع وام‌ها استفاده شود. تحقیقات مایو، راست و لطیفی در افریقای جنوبی در ارتباط با اعتبارات خرد، فقرزدایی و توسعه اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مانند کامرون، اتیوپی، بوتسوانا و کنیا و نیز در آسیای جنوب شرقی بویژه در بنگلادش (بانک گرامین) و هند، حاکی از آن است که اعتبارات خرد با فقرزدایی دارای همبستگی مثبت است؛ و در نتیجه میان اعتبارات خرد و توانمندسازی انسانی (مهارت‌ها، دانش، توانایی انجام کار، بهداشت مناسب، استقلال و ابتکار عمل در تصمیم‌گیری)، اقتصادی (میزان درآمد، امنیت اقتصادی، پس‌انداز و بدهی)، و اجتماعی (شبکه‌ها، گروه‌ها، مراکز عضویت، روابط مبتنی بر اعتماد، دسترسی به نهادهای اجتماعی، دوری از خشونت) رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (معظمی، ۱۳۷۷: ۵). بنابراین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در زمینه اعتبارات خرد رهیافت‌های خرد متعددی بنا به ماهیت موضوعات پژوهشی و واحدهای تحلیلی اتخاذ گردیده است که مهمترین آنها توانمندسازی زنان است:

- رهیافت توانمندسازی زنان: این رهیافت بر مبنای تألیفات فمینیست‌ها، و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفت و خواستار قدرت دادن به زنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکاء به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱).

اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر عاملی مهم تلقی می‌شود و عقیده بر این است که زنان، چه در سطح خرد و خانواده (تربیت صحیح کودکان، سرپرستی از آنها، مدیریت داخلی خانوار و...) و چه در سطح کلان (کار در مزارع و صنایع روستایی و...)، عناصر مهم تغییر در راستای توانمندی اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌روند (طالب و نجفی، ۱۳۸۶: ۹). در مجموع استقلال اقتصادی و سیاسی در این رهیافت دو جزء مهم به شمار می‌آید و مشارکت مستقیم نیز در حیات اجتماعی توصیه می‌شود (شادلو، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

این نظریه بر پیش‌فرض‌های زیر استوار است:

- ارتقاء توان زنان برای اتکاء به خود موجب افزایش قدرت آنها خواهد شد.

– قدرت نشانه برتری فرد بر فرد نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند. از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی از مقوله اولیه تمام افراد است بنابراین زنان باید بیاموزند که با خودباوری و اعتماد به نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند، نظریه تواناسازی ترکیبی از نظریه‌های رفاه، برابری، و فقرزدایی است با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت بخشیدن به تغییرات بلندمدت به امید آغاز و ایجاد آن در سطوح بالای تصمیم‌گیری سازمان‌های دولتی باقی نمانده بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان (زن و مرد) را ضروری می‌دانند (رودافشان، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

این چارچوب نظری به جای تأکید بر تساوی میان زنان و مردان در همه ابعاد به نابرابری اقتصادی میان این دو می‌پردازد. توجیه دلایل این نظریه را می‌توان چنین خلاصه کرد: برخی معتقدند که بحث فقرزدایی تفاوتی با نظریه برابری (عدالت) ندارد و فقط به دلیل عدم تمایل کشورهای در حال توسعه به موضوع برابری کامل جنسیتی، یک بعد از مسئله نابرابری‌ها و آن هم در بعد کمی و اقتصادی که بیشتر ملموس و قابل پذیرش است، به محور بحث تبدیل شده است. یکی دیگر از دلایل طرح نظریه فقرزدایی علاوه بر مخالفت‌های آشکار و پنهان با نظریه برابری، شکست نظریه‌های نوسازی و راهبردی توسعه متمرکز بر رشد اقتصادی در محو فقر است زیرا حتی در کشورهایی که موفق به کسب رشد اقتصادی مورد نظر خود شدند، توزیع نامتعادل آن بر میزان فقر گروه‌های کم‌درآمد دامن زد، تأکید چارچوب نظری فقرزدایی به امید ایجاد کار، فعالیت اقتصادی زنان، استقلال مالی، کاهش نابرابری اقتصادی و سپس حذف نابرابری در سایر زمینه‌ها تدوین شده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

است. بنابراین تأمین نیازهای راهبردی جنسیتی در گروه استقلال اقتصادی زنان دیده شده و این مهم‌ترین تفاوتی است که نظریه برابری با فقرزدایی دارد (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۵).

با نگاهی به نظریات مطروحه می‌توان دریافت که نظریه توانمندسازی برای زنان روستایی ایران، با راهبرد اعتبارات خرد و با ایجاد و تشکیل تعاونی‌های خوداشتغال محلی زنان، صندوق‌های تأمین اعتبار و آموزش و ترویج جهت تغییر فرهنگ قابل پیاده کردن است. در این راه می‌بایست با ضرورت آموزش و مشارکت، خودباوری را در زنان روستایی فراهم نمود که بتوانند در راه رسیدن به توسعه به عنوان مروجان الگودهنده، مطرح باشند و توسعه روستایی را تسریع بخشند.

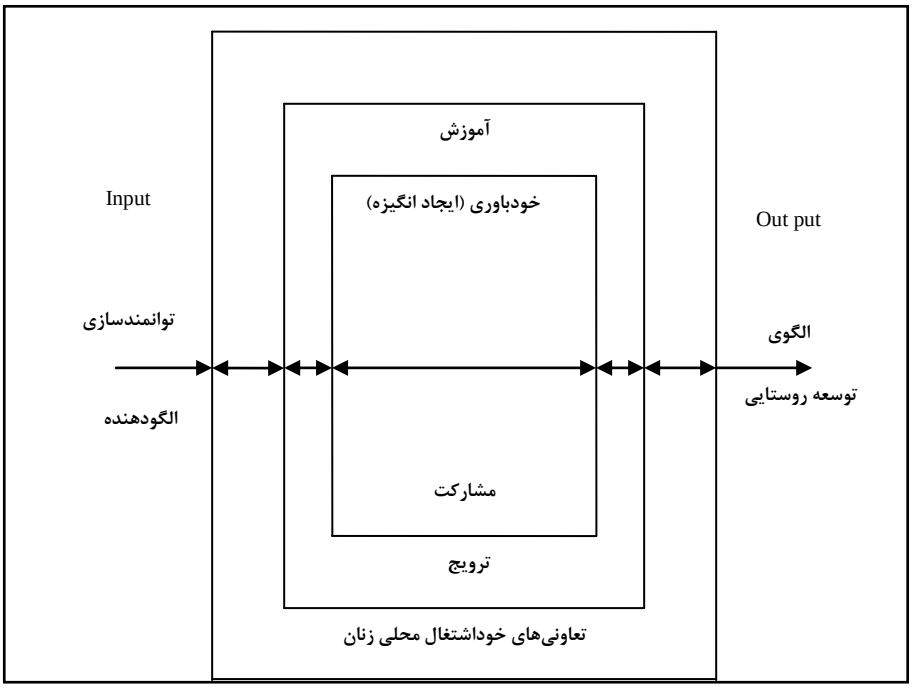

شکل۱) فرایند توانمندسازی زنان درتوسعه روستایی (ماخذ: صلاحی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۴۷)

آموزش نقش بسیار اساسی مهم و پیچیده در توسعه دارد و به همین جهت کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره، کلید دستیابی به استراتژی‌های جدید را در فراهم نمودن فرصت‌های بیشتر برای توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به آموزش و فراگیری فنون و اشتغال بیان شده است. در این میان آموزش ابعاد مختلف را در بر می‌گیردکه شامل: آموزش مواد، مهارت‌آموزی، آموزش اجتماعی، تعلیمات اساسی، آموزش کشاورزی، خانه-داری و... می‌باشد و برآیند این آموزش‌ها منجر به آگاه‌سازی زنان به لحاظ فنی و حقوقی میسر می‌گردد که در فرآیند توسعه گام مهمی محسوب می‌شود، در این میان آموزش اقتصادی، مهم‌ترین وظیفه دستگاه‌های اجرایی فرهنگی است که رواج و اشاعه فرهنگ تعاون و بکارگیری شیوه‌های متناسب و منطبق با اهداف اجتماعی–اقتصادی در سر لوحه آن قرار دارد و با این آموزش‌ها زنان در مخارج خانه و امور خانه بر اساس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

قواعد و نظم شناخته شده بدون اسراف و تبذیر تدبر کنند و می‌توانند بهتر مـدیریت داشـته باشـند و امکانـات اقتصادی یا اعتبارات خردی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، مناسب استفاده کنند (صـلاحی اصـفهانی، ۱۳۸۱: ۱۴۸- ۱۴۷).

۳) مواد و روش‌ها

الف) عرصه پژوهش: لکستان یکی از دهستان‌های شهرستان سلماس از استان آذربایجان غربی است این شهرستان دارای دو چهره کوهستانی و دشتی می‌باشد. دهستان مورد مطالعه در قسمت دشت (۱۵۰۰-۱۰۰۰متر) واقع است که به دلیل شرایط مناسب خاک و آب، سکونتگاه‌های روستایی نسبتاً زیادی با اقتصاد مبتنی بر زراعت و دام در آن شکل گرفته است. برای فعال کردن جمعیت، بویژه زنان روستایی اقدامات متعددی از جمله صندوق‌های اعتبارات خرد (در ۶ روستا از ۱۵ روستا) به اجرا درآمده است (شکل ۲).

شکل۲) نقشه توپوگرافی شهرستان سلماس و موقعیت دهستان لکستان

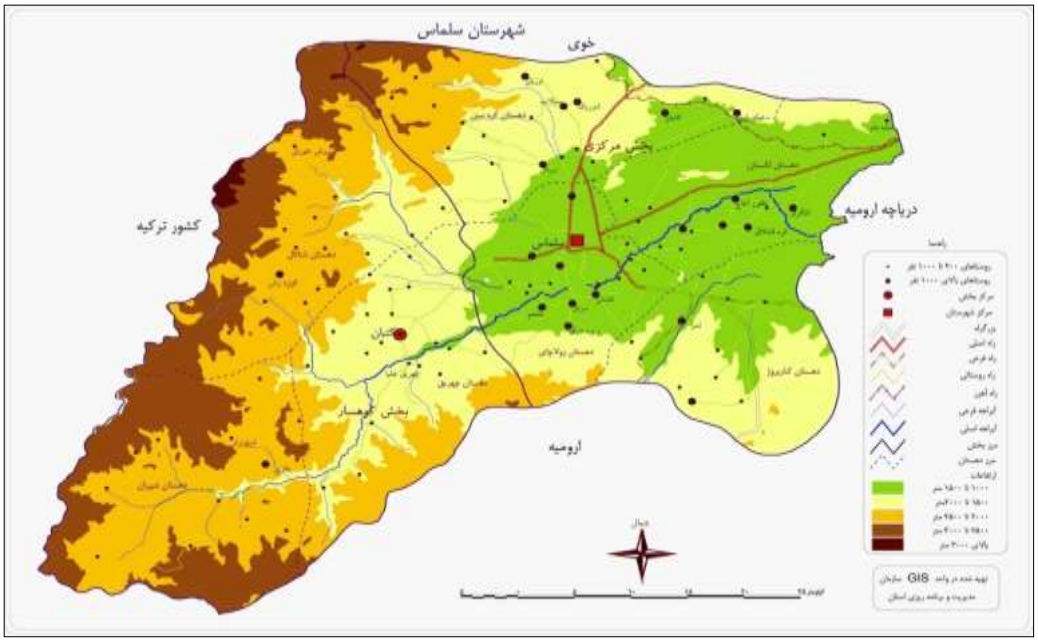

ب) روش: با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش از نوع توصیفی و علی پس از وقوع است. بـدین منظـور از ۱۱۵۹ نفر از زنان دهستان لکستان شهرستان سلماس که ۳۱۲ نفر از آنها عضو صندوق و ۸۴۷ نفـر از آنهـا غیرعضـو بوده‌اند با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای ۲۵۲ نفری انتخاب شد (۱۸۴ نفـر از اعضـای غیرعضـو و ۶۸ نفـر عضو صندوق). در نمونه‌گیری از روش سهمی و خوشه‌ای هدفمند اسـتفاده شـد. بـه ایـن صـورت کـه از بـین روستاهای دهستان، روستاهایی که دارای صندوق بودند به طور هدفمند بـه عنـوان خوشـه‌هـای گـروه نمونـه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

انتخاب شدند. در هر یک از این روستاها آزمودنی‌ها (که شامل زنان عضو صندوق و زنـان غیرعضـو بودنـد) بـه روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ویژگی گروه نمونه و جامعه مربوط به آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱) ویژگی‌های جامعه آماری و گروه نمونه

روستاها	تعداد صندوق‌های اعتباری خرد	تعداد اعضای عضو صندوق‌ها	تعداد نمونه‌های انتخاب شده اعضای عضو	تعداد اعضای غیرعضو	تعدادنمونه‌های انتخاب شده اعضای غیرعضو
صدقیان	۳	۹۴	۲۰	۱۰۳	۲۲
برگشاد	۲	۹۱	۲۰	۱۲	۴
حبشی	۱	۳۴	۷	۲۱۵	۴۷
حمزه کندی	۱	۴۱	۸	۲۰۳	۴۴
آخته خانه	۱	۲۲	۵	۴۶	۱۰
کنگرلو	۱	۳۰	۸	۲۶۸	۵۸
کل	۹	۳۱۲	۶۸	۸۴۷	۱۸۴

اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌های توانمندی اقتصادی محقق ساخته و پرسشـنامه اعتمـاد بـه نفـس آی زینگ جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌هـای توانمندسـازی اقتصـادی از سـه گونـه پرسشـنامه تشـکیل شـده اسـت: پرسشنامه شماره یک برای زنان عضو صندوق‌های اعتباری خرد و شماره دو برای زنـانی غیرعضـو. پرسشـنامه شماره یک، ۱۸ سوال و پرسشنامه شماره دو، ۱۴ سوال با چهار گزینه خیلی زیاد، زیاد، کـم، خیلـی کـم تهیـه گردید. پرسشنامه شماره ۳ مشترک برای هر دو گروه بود که ۳۰ سوال با سه گزینه بله، خیـر، و نمـی دانـم را شامل می‌شد. روایی محتوایی پرسشنامه به دست آمد و اعتبار آن با اسـتفاده از ضـریب آلفـای کرونبـاخ بـرای پرسشنامه شماره یک ۰/۷۸ و برای پرسشنامه شماره دو ۰/۸۰ و برای پرسشنامه شـماره سـه ۰/۸۵ بـه دسـت آمد. نتایج با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت.

۴) یافته‌های پژوهش

برای بررسی یافته‌ها، ابتدا نتایج توصیفی، سپس یافته‌های مربوط به سوال‌های پژوهش ارائه می‌شود. نتایج مربوط به توصیف گروه نمونه نشان می‌دهد که از میان زنان عضو صندوق‌های اعتبـاری خـرد ۴۷/۱ درصـد در گروه‌های سنی ۳۰-۱۸، ۳۶/۸ درصد در ۴۳-۳۱ و ۱۶/۲ درصد نیز در بالاتر از ۴۳ سـال قـرار دارنـد. در گـروه زنان غیرعضو نیز ۳۹/۱ درصد در گروه‌های سنی ۳۰-۱۸، ۳۲/۶ درصد در ۴۳-۳۱ و ۲۸/۳ درصـد در بـالاتر از ۴۳ سال قرار دارند، بر این اساس در هردو گروه، بیشتر زنان، در گروه‌های سنی ۳۰-۱۸ قـرار دارنـد (جـدول ۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۲) مشخصات سنی پاسخگویان در هر دو گروه از زنان

گروه‌های سنی	زنان عضو		زنان غیرعضو	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۳۰- ۱۸	۳۲	۴۷/۱	۷۲	۳۹/۱
۴۳-۳۱	۲۵	۳۶/۸	۶۰	۳۲/۶
بیشتر از۴۳	۱۱	۱۶/۲	۵۲	۲۸/۳
کل	۶۸	۱۰۰	۱۸۴	۱۰۰

از ویژگی‌های دیگر افرد پاسخگو سطح سواد آنان می‌باشد. بر این اساس پاسخگویان در شش طبقه تقسیم شدند که در گروه زنان عضو صندوق ۷/۴ درصد بی‌سواد، ۱۶/۲ درصد ابتدایی، ۳۵/۳ درصد راهنمایی، ۲۲/۱ درصد دیپلم، ۱۶/۲ درصد فوق دیپلم و ۲/۹ درصد در مقطع لیسانس قرار داشتند. در گروه زنانی غیرعضو ۲۳/۴ درصد بی‌سواد، ۳۹/۷ درصد ابتدایی، ۲۱/۲ درصد راهنمایی، ۱۰/۹ درصد دیپلم، ۳/۳ درصد فوق دیپلم، و ۱/۶ درصد در مقطع لیسانس قرار داشتند. بنابراین در گروه زنان عضو ۳۵/۳ درصد در مقطع راهنمایی و در گروه زنان غیرعضو ۳۹/۷ درصد در مقطع ابتدایی بودند (جدول ۳).

جدول ۳) مشخصات زنان عضو و غیرعضو بر اساس سطح سواد

وضعیت تحصیلات	زنان عضو		زنان غیرعضو	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بیسواد	۵	۷/۴	۴۳	۲۳/۴
ابتدایی	۱۱	۱۶/۲	۷۳	۳۹/۷
راهنمایی	۲۴	۳۵/۳	۳۹	۲۱/۲
دیپلم	۱۵	۲۲/۱	۲۰	۱۰/۹
فوق دیپلم	۱۱	۱۶/۲	۶	۳/۳
لیسانس	۲	۲/۹	۳	۱/۶
کل	۶۸	۱۰۰	۱۸۴	۱۰۰

در پاسخ به سوال اول) آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی مؤثر است؟

از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود داشته است (t=۲۳/۷ ،df= ۲۵۰، P<0/01). در این میان میانگین توانمندی اقتصادی زنان عضو ۳/۵۵ و این میانگین برای زنان غیرعضو برابر با ۲/۱۵ بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۴) مقایسه تفاوت توانمندی اقتصادی دوگروه نمونه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
زنان عضو	۶۸	۳/۵۵	۰/۵۰۰	۲۳/۷۵۳	۲۵۰	۰/۰۰۰
زنان غیرعضو	۱۸۴	۲/۱۵	۰/۳۸۰			

و در پاسخ به سوال دوم) آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد باعث بالا رفتن اعتماد به نفس زنان روستایی شده است؟.

نتایج با استفاده از آزمون t گروه های مستقل نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو گروه زنان وجود داشته است (t=۴/۹۷ ،df=۲۵۰ ،P<0/01). در این میان میانگین اعتماد به نفس زنان عضو ۲۵/۴ و این میانگین برای زنان غیرعضو برابر با ۲۳ بوده است.

جدول ۵) مقایسه اعتماد به نفس دو گروه نمونه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
زنان عضو	۶۸	۲۵/۳۹	۳/۰۷	۴/۹۷۵	۲۵۰	۰/۰۰۰
زنان غیرعضو	۱۸۴	۲۲/۹۹	۳/۵۰			

۵) بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل و بحث نیز به ترتیب سوال‌ها ارائه می‌شود.

آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی موثر است؟

نتایج نشان داد، میان میانگین توانمندی اقتصادی زنان عضو بیشتر از میانگین زنان غیرعضو بوده است. در چارچوب دیدگاه جامعه‌گرا، رهیافت‌های متعددی از جمله نظریه توانمندسازی ارائه شده است. گرچه هریک از نظریه‌ها دارای طرفدارانی است، لیکن نظریه توانمندسازی با مقبولیت بیشتری روبرو است، زیرا این رهیافت نه تنها دارای بعد اقتصادی (فراهم آوردن درآمد) است بلکه دارای ابعادی سیاسی، اجتماعی بویژه روانی (اعتماد به نفس) نیز می‌باشد. لاویر (2002) معتقد است که برنامه‌های اعتبارات خرد باید با هدف‌گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام‌گیرندگان فقیر همراه باشد، و آلین و جیانگ (2008) در مطالعه خود نشان داده‌اند، اگر میزان سرمایه‌گذاری و خوداشتغالی وام‌گیرندگان به اندازه کافی زیاد باشد آنگاه اعتبار کم می‌تواند اقتصاد را از طریق صرفه‌جویی، از رکود به سوی توسعه کامل سوق دهد. تحقیقات مایو، راست و لطیفی نیز در افریقای جنوبی در ارتباط با اعتبارات خرد، فقرزدایی و توسعه اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مانند کامرون، اتیوپی، بوتسوانا و کنیا نیز در آسیای جنوب شرقی بویژه در بنگلادش (بانک گرامین) و هند، حاکی از آن است که اعتبارات خرد با فقرزدایی دارای همبستگی مثبت است؛ و در نتیجه میان اعتبارات خرد و توانمندسازی انسانی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. از این رو نتایج این پژوهش در همسویی با یافته‌های فوق‌الذکر می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد باعث بالا رفتن اعتماد به نفس زنان روستایی شده است؟

نتایج نشان داد که میانگین اعتماد به نفس زنان عضو بیشتر از میانگین زنان غیرعضو بوده است. این نتایج با یافته‌های موجود در همین راستا از جمله رحمانی (۱۳۸۶)، که معتقد است شبکه خرده وام‌دهی توانسته است به افزایش توانمندی‌های روانی و اجتماعی زنان عضو نسبت به زنان غیرعضو کمک نماید، همخوانی دارد. با نگاهی به نظریات مطروحه می‌توان دریافت که نظریه توانمندسازی برای زنان روستایی ایران، با راهبرد اعتبارات خرد و با ایجاد و تشکیل تعاونی‌های خود اشتغال محلی زنان، صندوق‌های تأمین اعتبار و آموزش و ترویج جهت تغییر فرهنگ قابل پیاده کردن است. بررسی یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد، اعطای تسهیلات اعتبارات خرد موجب توانمندسازی زنان عضو نسبت به زنان غیرعضو از طریق افزایش درآمد و اعتماد به نفس در نواحی روستایی دهستان لکستان شهرستان سلماس گردید، همچنین در بالا بردن میزان مشارکت و افزایش میزان کارایی زنان، تغییر نگرش مردان نسبت به توانایی زنان و بعضاً تشویق آنان از طریق کمک تأثیرگذار بوده است. علیرغم آثار فوق‌الذکر، تسهیلات اعطائی هزینه‌های مورد نیاز را پوشش نمی‌دهد و بعضاً در راستای اهداف (ایجاد مشاغل پایدار) به کار گرفته نمی‌شود. از این رو:

- افزایش مبلغ تسهیلات بانکی از سوی نهادهای فرادستی و افزایش سقف اعتبار برای هر متقاضی پیشنهاد می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۶) منابع

- ازکیا، مصطفی و علی ایمانی، (۱۳۸۴)، **نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زنـدانیان آزاد شده**، در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد روستایی و فقرزدایی بانک کشاورزی، مرکز تحقیقات اقتصادی.
- باستانی، سوسن، (۱۳۸۶)، **توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان**، مطالعات زنـان، سال دوم، شماره۴.
- حسن‌زاده، علی و صالح قویـدل، (۱۳۸۴)، **چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران مقایسـه تطبیقـی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک**، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- خانی، فضیله، (۱۳۸۱)، **اعتبارات خرد برای زنان روستایی (ضرورت‌ها و موانع)، مجموعه مقالات همـایش اعتبارات خرد زنان روستایی**، جلد اول، وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی)، تهران.
- خداوردی‌لو، سهیلا و فرامرز بریمانی، (۱۳۸۸)، **نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر و سرپرسـت خانوار**، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، شهرداری (امور بـانوان)، تهران.
- خزایی، علی، (۱۳۸۱)، **تحلیلی بر تحولات ساختاری در نظام اعتبارات خرد و چگونگی تشـکیل صـندوق مشارکت زنان روستایی**، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد اول، وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی)، تهران.
- رحمانی، مـریم، (۱۳۸۶)، **نقش شبکه خرده وام‌دهی در توانمندسازی زنان (مطالعه موردی: روستای پشت رود بم**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- رسول‌اف، جـلال، (۱۳۸۱)، **زنان روستایی و اعتبارات خرد، خوداتکایی**، مجموعـه مقـالات همـایش اعتبـارات خرد زنان روستایی، جلد اول، تهران: وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی).
- رودافشان، ناهید، (۱۳۸۴)، **تأثیر جهانی‌شدن بر توانمندسازی زنان (دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شاغل به تحصیل ۱۳۸۳-۱۳۸۴)**، پایـان‌نامـه کارشناسـی ارشـد مطالعـات زنـان، دانشـگاه تربیـت مدرس، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، تهران.
- ریکا، مهرا، آنلیز دروست ماسری و روبا رحمان، (۱۳۸۲)، **اعتبارات مالی برای زنان**، مترجم: فضیله خـانی، ناشـر دانشگاه الزهراء با مشارکت دفتر امور زنان روستایی و وزارت جهاد کشاورزی.
- زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۸۳)، **مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
- شادلو، شـیده، (۱۳۸۰)، **نقش فرهنگ در متعال ساختن نگرش‌های جنسیتی برای توانمندسازی زنـان بـا تأکید بر اسناد بین‌المللی**، مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، جلـد اول، مرکـز امـور مشـارکت زنـان، تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- شادی‌طلب، ژاله، معصومه وهابی و حسن ورمزیار، (۱۳۸۴)، **فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار**، فصلنامه علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷. ۱.
- شکوری، علی، مریم رفعت‌جاه و معصومه جعفری، (۱۳۸۶)، **مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و عوامل موثر بر آنها**، پژوهش زنان، دوره۳، شماره۱.
- صلاحی اصفهانی، گیتی، (۱۳۸۱)، **توانمندسازی زنان در توسعه روستایی**، در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد دوم، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی.
- کتابی، محمود، بهجت یزدخواستی و زهرا فرخی راستابی، (۱۳۸۲)، **توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه**، پژوهش زنان، دوره ۱، سال۳، شماره ۷.
- معظمی، میترا، (۱۳۸۰)، **راهنمای آموزشی طراحی برنامه‌های مالی خرد**، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی.
- نگین، وحیده، (۱۳۸۴)، **نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر**، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۲.
- Ahlin, Ch. and N. Jiang, (2008), **Can micro-credit bring development?**, Journal of Development Economics, 123-145, Available at http://www.sciencedirect.com
- Lavoier, M. (2002), **Women and microcredit in Vietnam**, Anthropology Department, 100-115, available at: http://www. sciencedirect.com.
- Oxaal, Z and Baden, S. (1997), **Gender and Empowerment: Definitions, Approaches and Implications for Policy**, 2, Available at: http:// ids.ac.uk/badge.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]